

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نښاد تن من مباد بدین بوم و برزنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Social

اجتماعی

امین «سیماب»

۲۳ فبروری ۲۰۱۳

به مناسبت پنجمین سالگرد وفات استاد نورمحمد «تابش»

گذشت زمان واقعاً سریع و حیرت آوراست. هنوز هق هق گریه عزیزان استاد گران بها نورمحمد «تابش» فروکشیده که اینک سال پنجم سوگ وی را شاهدیم. همان گونه که هستی شخصیت های مبارز، پرنفوذ و تأثیر افکن است، نبود شان نیز پروزنه بوده و زائل شدن جسمی شان به آسانی ممکن نیست. استاد نورمحمد «تابش» یکی از صدیق ترین فرزندان جنبش روشنفکری کشور و از علمبرداران نستوه مبارزه علیه استعمار، اشغال و استبداد بود، چنان که با نظم و نثر، و با راه انداختن مباحث، گردهمایی ها و تظاهرات، ثبات اندیشه و ستیز خود به ضد ظلم و استبداد را دلیرانه و مدبرانه ثبت تاریخ مبارزات ملی - مترقی سه دهه اخیر تاریخ کشور نمودند. اینک به منظور زنده نگه داشتن یاد و خاطره آن انسان ستوده و نیک آرمان، قطعه شعری از طبع ایشان را زینت بخش این صفحه می نمایم.

۲۲ فبروری ۲۰۱۳

ساغر

عزم خود سنگین به قصد رفتن کشور کنم
در هوایش جان سپارم بار خود کمتر کنم
گرقضا را در محیط آرزو، رهبر کنم
تشنگی را چاره با آب دم خنجر کنم
مردنم در انزوا و بی کسی بهتر بود
نی که همرازان خود اشخاص افشاء گر کنم
حرف حق هر چند باشد تلخ مانند شراب
گوش خود از بهر آن شیرین ادا، ساغر کنم
از خموشی شد دل امیدوارم، غم درون
گر کنم افغان مبادا گوش عالم کر کنم
سر، کلاه حشمت و جاه از چه می خواهد زمن
گر نمی خواهد گرفتارش به درد سر کنم

به که از شر بشر جویم پناه از باغ وحش
همنشین مارگردم احترام خر کنم
در خداوندی مردم جای شک و شبهه نیست
خویش را بهر چه؟ بی ایمان و نا باور کنم
بسکه مدهوشم ز صهبای تمنای وطن
نسبت میخانه را بر چشمه کوثر کنم
شاعر دور از وطن هستم که از نا دیدگی
گاه و شیر گاو او، تشبیه سیم و زر کنم
شعر «تابش» گر نسوزد استخوان ظالمان
جای دندان ها، دهانش را پراز اخگر کنم

۱۴ جنوری ۱۹۹۳

پایرن - سویس

از: مجموعه شعری «معبود عشق»

صفحه ۱۱۴